



فقهای افغانستان

نگارش جناب قاری عبدالله خان

لا علی قاری ابن سلطان محمد هروی از متأخرین فقهای حنفی
دارای علم و فضل و در تحقیق بکفا و فرید عصر خود بوده



مجدد قرن دهم بشمار میرو د. ملا علی قاری هرات وطن اصلی
خود را گذاشته در مکه معظمه توطن گزید و در آنجا از استاد ابوالحسن بکری
و احمد ابن حجر مکی و عبدالله سندی و قطب الدین مکی تحصیل نمود تا در علم
و فضل سر آمد گشته بتالیفات عدیده که در اخت از قبیل: شرح مشکات،
۲ - شرح شفا، ۳ - شرح نخبه، ۴ - شرح شائل زمذی در حدیث،
۵ - شرح شاطبی، ۶ - شرح جزری در قرائت، ۷ - اثمار جنیه در اسمای
حنفیه، ۸ - زهته الخاطر در مناقب شیخ عبدالقادر روح، ۹ - شرح مؤطای
امام محمد، ۱۰ - سند الانام شرح مسند امام، ۱۱ - تزیین العبارة،
۱۲ - تدهین تزیین، موضوع این دو رساله او مسئله اشارت است بانگشت سبابه در
تشهد، ۱۳ - شرح عین العلم در اخلاق، ۱۴ - شرح فقها کبر در عقائد و دو اربعین
که یکی ازان، ۱۵ - چهل حدیث در فضائل قرآن است و دیگری ۱۶ - چهل

حدیث در خصوص نکاح . ۱۷ - حظاً الا وفر فی الحج الاکبر ، ۱۸ - رساله در امامت ۱۹ - رساله فی حب الهرة من الایمان ۲۰ - رساله فی حب العصا ۲۱ - رساله در بسم الله خواندن در آغاز سوره توبه ۲۲ - فرائد القلائد در تخریج حدیثهای شرح عقائد ۲۳ - رساله در ترکیب (لا اله الا الله) ۲۴ - مصنوع در معرفت حدیث موضوع ۲۵ - کشف الحذر عن امر الخضر ۲۶ - ضوء المعالی شرح بدء الامالی ۲۷ - فتح باب العنایه فی شرح النقایه ۲۸ - معدن عدنی در فضایل اویس قرنی رض ۲۹ - رساله در حکم سب شیخین و سائر صحابه رضی الله عنهم ۳۰ - (الاهدای فی الاقتداء) ۳۱ - رساله در خصوص نماز جنازه در مسجد . ۳۲ - بهجة الانسان فی مهجة الحیوان و دیگر رسائل مفیده هم داشته که ذکر همه سبب تطویل میشود . گذشته از مؤلفات عدیده در مواضع متنوعه در خوشنویسی نیز دستی داشت و از استاد آن فن بشمار میرفته و از صنعت کتابت تحصیل معاش میکرد و کتب بسیاری بدستخط خویش نوشته از جمله در هر سالی یک نسخه مصحف شریف می نوشت و از یول هدیه آن وجه معاش می نمود و کفایه میکرد علی قاری در هرات متولد گشته و در مکه مکرمه زاده الله شرفاً در ماه شوال از شهر ناسه (۱۰۴۰ هـ) وفات یافته و در آنجا مدفون گردید - گویند نماز جنازه او را در جامع ازهر مصر هم خوانده اند .

علی ابن محمد ابن علی کندرانی (۱) قاضی هروی ابو الحسن

علی ابن محمد : کنیت داشته و در بین فقهای حنفی شخصی فاضل و بسیار

مائل بکتابت حدیث بود . از ابوعلی حامد ابن محمد رفا و

محمد ابن احمد ابن یوسف مروانی حدیث سمع نموده و ابو سعید ادریسی از او

روایت کرده . وفات علی ابن محمد بعد از (۳۵۰) روی داده .

(۱) کندران بفتح کاف و سکون و ضم دال قریه است از فارس - جوهر مضیة ج - ص ۱ - ۳۷۳ .

عمر ابن عبدالمؤمن ابن یوسف کجو آدری بلخی

عمر ابن عبدالمؤمن : کنیتش ابو حفص و لقبش صفي الدين و شيخ الاسلام

در عهد خود بود . مؤلف هدایه در سفر حج

با او همراهی داشت در مکه معظمه و مدینه منوره و در بازگشت نااهمدان

یکجا بودند : و مؤلف هدایه بعضی از احادیث را بحضرت او قراءت میکرده

و در برخی از مسائل با او مناظره می نمود . وفات او در ۵۵۹ اتفاق افتاد .

عمر ابن علی ابن احمد ابن محمد ابن ابوذر نالقانی محمودی

عمر ابن علی : کنیتش ابو سعد بوده پدر قاضی حمید است از ابوعلی

حسن ابن علی و حنی و غیره سمع حدیث نموده و سمعانی

در بلخ از وحدیث سمع کرده دارای فضل و کثرت حفظ و عبادت و شب زنده

دار بوده . تولدش را سمعانی در (۴۵۷) می نویسد لیکن وفاتش معلوم نشد .

عمر ابن محمد ابن عبدالله بسطامی (۱) بلخی کنیتش

عمر بن محمد : ابو شجاع و لقبش ضیاء الاسلام است در بین فقه‌های حنفی

بجسند اخلاقی و در سمع علم امتیاز داشت حافظ ، مفسر ،

محدث ، ادیب ، شاعر و کاتب بود ، حدیث را از ابو القاسم (۲) احمد ابن ابو منصور

خلیلی بلخی و ابو اسحاق ابراهیم ابن ابو نصر اصفهانی بلخی و غیره سمع نموده

و اجازه نامه عالی داشت . سمعانی در انساب او را شیخ و امام خود گفته و می نویسد :

من ازو در مرو و بلخ و هرات و بخارا و سمرقند حدیث سمع نموده ام . و برادرش

ابو الفتح محمد شیخ نیکو سیرت و مشغول بامور بهبود بوده و عبادت بسیار میکرده

(۱) جد اعلای عمر از بسطام بوده و در بلخ توطن گزیده و عمر در بلخ متولد گشته - فوائد

بیه س (۱۵۰) سمعانی ص ۸۱ -

(۲) ابو القاسم احمد سابق در حرف الف ذکر یافته .

و ابوالقاسم احمد پسر اوست و هر دو از علمای بلخ استفاده کرده اند. ابوالفتح محمد از ابو هریره قلاشی بلخی و خواجه ابوعلی الوزیر نظام الملک و ابوالقاسم خلیلی و ابواسحاق بلخی (که هر دو در سابق ذکر یافتند) و ابوالقاسم احمد پسر ابوالفتح از ابوسعید اسعد بن محمد بن ظفر بلخی سمع حدیث نموده و من از وحدیثی چند نوشته ام و نیز سمعانی در انساب و ولادت ابوشجاع عمر را در بلخ بماء ذبحجه ۴۷۵ و وفات برادرش ابوالفتح را در بلخ (۵۵۱) ضبط کرده و سن ابوالفتح را از هشتاد متجاوز می نویسد. لیکن از وفات عمر چیزی ننوشته فوائده بهیه و جواهر مضیه هم یکی از سمعانی نقل و دیگری از ویروی کرده آن يك ولادت عمر و این دیگر وفات برادرش را در بلخ در سنوات مذکور ضبط کرده و می نویسند ابوشجاع عمر استاد صاحب هدایه هم بوده و بخط خود اجازه نامه مطلق از آنچه سمع کرده و اجازه گرفته بود برای صاحب هدایه نوشت.

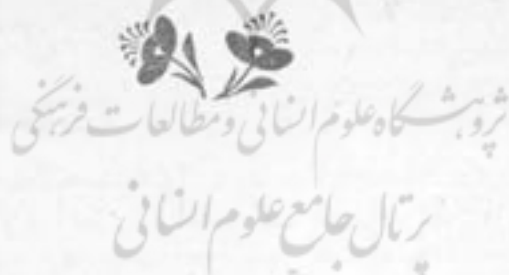
عمر ابن اسحاق: عمر ابن اسحاق ابن احمد هندی غزنوی صاحب کشف الظنون و فوائده بهیه نام پدرش را (اسحاق) و جواهر مضیه (محمد غزنوی) نوشته است. کنیتش ابوحفص و لقبش سراج الدین و از ائمه فقهای حنفی در قرن هشتم بوده در ذکا و قوه مناظره کمتر نظیری در عصر خود داشت. فقه را از ملک العلمای دهلی سراج الدین تقی و امام زاهد و جیه الدین دهلوی و شمس الائمه دولی و رکن الدین بداونی فرا گرفته و دارای مؤلفات عدیده است از قبیل:

۱ - شرح هدایه بقول کشف الظنون بر هدایه دو شرح نموده یکی شرح بزرگ که توشیح نام دارد و دیگری شرح کوچک که شش جزء است. (۳) شامل در فقه.

- ۴ - زبدة الاحكام فى اختلاف الائمة الاعلام
 - ۵ - شرح بدیع الاصول
 - ۶ - شرح المغنی
 - ۷ - المعزة المنیفة در ترجیح مذهب امام اعظم ابوحنیفه رض
 - ۸ - شرح زیادات [این دو کتاب تکمیل یافته
 - ۹ - شرح الجامعین
 - ۱۰ - شرح منار
 - ۱۱ - شرح مختار
 - ۱۲ - عدة الناسك فى المناسك
 - ۱۳ - شرح عقیده طحاوی
 - ۱۴ - اللوامع فى شرح جمع الجوامع
 - ۱۵ - شرح قصیده نائیه پارسه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 - ۱۶ - لوائح الانوار در رد انکار از لطف الفهم الشیراز عرفا بر علاوه از کتب مذکور مؤلفات دیگری هم با و نسبت میکنند .
- وفات اورا حسن چلبی در کشف الظنون و سیوطی در حسن
المحاضرہ (۷۷۳) می نویسند و برخی ۷۹۳ میگویند . و ولادتش
بقول ملا علی قاری تقریباً در ۷۰۴ بوده .
- عمر ابن میمون ابن بحر بلخی که بعضی اورا عمر و ابن میمون
عمر ابن میمون : گفته اند از شاگردان امام اعظم است رض در بغداد رفته

وازاو تحصیل فقه نموده . پسرش عبدالله نام داشت و در نیشاپور قاضی بود و از پدر خود روایت کرده . عمر فزونتر از زیست سال در بلخ با امر قضا قیام ورزید و درین امر حلم و علم فهم و صلاح را کار فرمود . ترمذی در جامع خود حدیثی از او روایت کرده در حدیث ثقه بوده . وفات او در بلخ (۱۷۱) روی داد .

فرات ابن نصر : فرات ابن نصر قهندزی (۱) هر وی ابو جعفر کنیت داشت فقه را از امام ابو یوسف فرا گرفت و از امام محمد عموم کتابهای او را سمع کرد و هم از صاحبین روایت دارد . عبد القادر مولف جواهر مضیه میگوید : تاریخ هرات راجع به فرات می نویسد که وی از اصحاب رای بود و کتابهای امام محمد را که از وی سمع کرده بود همه را با خود داشت وفات فرات در (۲۳۶) اتفاق افتاد .



خود پسندی :

(ناپلیون اعظم)

خود پسندی بدترین مشاورها است برای انسان .

تروت :

(لافوتین)

بول هر راه را هموار میکند .

(۱) قهندز در چند جا است قهندز سمرقند قهندز بخارا قهندز نیشاپور قهندز هرات سمغانی ص (۴۶۷) .